

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.347527.3621>

Public diplomacy is a new approach in the foreign policy of countries that targets people, especially the elites of other societies in foreign relations, and its purpose has been to influence and shape public opinion. In the light of the Arab developments in the Middle East, especially in the Syrian crisis, the Islamic Republic of Iran has played an active role and has used various types of diplomacy, including public diplomacy. This article tries to discuss the role of public diplomacy of the Islamic Republic of Iran in increasing the influence of the Islamic Republic of Iran in Syria and the obstacles and limitations of public diplomacy. By descriptive-analytical method, the authors have hypothesized that the Islamic Republic of Iran has used public diplomacy and soft power along with its hard power in order to consolidate and strengthen its regional role and influence.

## نقش دیپلماسی عمومی در افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در تحولات سوریه بر اساس گفت‌وگو بیداری اسلامی

قاسم امامی راد<sup>۱</sup>کیهان برزگر<sup>۲</sup>مهدی ذاکریان امیری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۲

## چکیده:

دیپلماسی عمومی رویکردی نوین در سیاست خارجی کشورهاست که مردم و به ویژه نخبگان جوامع دیگر را در روابط خارجی هدف قرار می‌دهد و هدف آن تاثیرگذاری و شکل‌دهی افکار عمومی بوده است. جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات عربی منطقه خاورمیانه به خصوص در بحران سوریه حضور و نقش فعالی داشته و از انواع دیپلماسی از جمله دیپلماسی عمومی استفاده نموده است. در این مقاله سعی شده است نقش دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سوریه و موانع و محدودیت‌های دیپلماسی عمومی مورد بحث قرار گیرد. نویسندگان با روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه را مطرح نموده‌اند که جمهوری اسلامی ایران از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در کنار قدرت سخت خود استفاده نموده تا بتواند نقش و نفوذ منطقه‌ای خود را تثبیت و تقویت کند و در این راستا از منابع فرصت‌ها و امکانات مناسب و متفاوتی برای بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در سوریه استفاده نموده است. اما این موفقیت تحت تاثیر سایر اشکال دیپلماسی منجمله رسمی و نظامی قرار گرفته و بدلیل برخی موانع و محدودیت‌های درون‌زا و برون‌زا نتوانسته است از جایگاه اصلی و واقعی خود برخوردار باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، سوریه

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) kbarzegar@hotmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزادی‌های اقتصادی برآمده از نظام سرمایه‌داری جدید، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری در سراسر جهان ایجاد نموده و شکل‌گیری خیزش‌های مردمی و افزایش خواسته‌های آنان جهت تغییرات را در پی داشته است. بر این مبنای شروع امواج اعتراضات در پاره‌ای از کشورهای خاورمیانه که موسوم به بهار عربی است و گاهی از آن در معنای وسیع‌تر به بیداری اسلامی نیز تعبیر می‌شود، اوضاع سیاسی سوریه نیز متلاطم گردید. شکل‌گیری بحران در سوریه ابتدا جنبه داخلی داشت اما به تدریج گروه‌ها و کشورهای معارض مختلفی در آن ورود پیدا کرده و نقش آفرینی نمودند. هرچند استدلال می‌شد ناآرامی‌های سوریه ریشه در نارضایتی کارگران، روستاییان و نیز فعالان و روشنفکرانی دارد که توسط دولت‌های حاشیه خلیج فارس نظیر عربستان و قطر حمایت می‌شوند، اما از طرفی واقعیت چنین بود که قدرت‌های بین‌المللی همچون آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به همراه اسرائیل از بحران سوریه جهت تضعیف محور مقاومت اسلامی و تشدید فشار و به انزوا کشاندن این محور بهره می‌بردند. جمهوری اسلامی ایران نیز در این میان که همواره در پی ارتباط نزدیک و سازنده دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه است و حتی یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود را تعامل سازنده با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعریف نموده است، نسبت به بحران سوریه توجه خاصی را مبذول داشت. به ویژه آنکه قرار گرفتن این کشور در محور مقاومت اسلامی از اهمیت راهبردی ویژه‌ای برای ایران برخوردار بوده و لذا بیم آن دارد که با تغییر رژیم سیاسی سوریه و برپایی حکومت جایگزین، محور مقاومت اسلامی وارد چالش جدی شود. به همین جهت از زمانی که جنگ داخلی در سوریه آغاز شد، به طور فزاینده‌ای تلاش نمود تا اقدامات و پیشگیری‌های لازم را نسبت به جلوگیری از تشدید این بحران و حل و فصل مسالمت‌آمیز آن انجام دهد. این درحالی است که برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در اصطلاح به آن محور غربی-عربی گفته می‌شود از تندروترین گروه‌های اپوزیسیون حکومت سوریه حمایت کرده‌اند. لذا از این منظر، حفظ و ثبات حکومت بشار اسد برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت راهبردی برخوردار است. بحران سوریه، یکی از مهمترین موارد مربوط به تحولات جهان عرب پیوند بسیار عمیقی با ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد. هر یک از بازیگران بستگی به منافع و ملاحظات امنیتی خود در مورد تحولات سوریه موضع‌گیری و یا مداخله و تصمیم‌گیری می‌نمایند. جوهره بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، حرکت ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی است اما در حوادث سوریه، آمریکا و اسرائیل بر عکس دیگر حکومت‌های دچار بحران آشکارا از معارضان حکومت سوریه حمایت نموده و در مجموع باید گفت هدف محور آمریکا و متحدان غربی و عربی در سوریه در درجه اول برای تضعیف جریان مقاومت در منطقه و در درجه دوم فشار بر حکومت بشار اسد برای وادار کردن او به اصلاحات جدی در سوریه از جمله قطع رابطه با ایران، قطع کمک به حزب الله و بیرون‌راندن نیروهای فلسطینی که در سوریه است، هم چنین به رسمیت شناختن اسرائیل و بستن قرارداد صلح با این حکومت می‌باشد. لذا بحران سوریه هم از بعد ژئوپلیتیک و هم از بعد ایدئولوژیک برای جمهوری اسلامی ایران دارای اولویت جدی بوده است. حضور قوی مستشاری نظامی در تحولات سوریه و کمک به دولت بشار اسد یکی از جلوه‌های جدی رویکرد واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه بوده و همچنین از آنجا که سوریه از ارکان اصلی

محور مقاومت اسلامی در هلال ژئوپلیتیک شیعه تلقی می‌شود و تداوم حیات سیاسی و وحدت سرزمینی آن کشور با ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی و منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران پیوند یافته است، بنابراین از منظر ایدئولوژیک هم برای جمهوری اسلامی ایران مهم تلقی می‌گردد. نظریه رئالیسم به دلیل تأکید بر مسائل عینی، یکی از نظریه‌های مناسب جهت تحلیل رویکرد سیاست خارجی دولتها و واکنش آنها نسبت به تحولات پیرامونشان می‌باشد. بر اساس نظریه رئالیسم مهمترین هدف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأمین و تضمین بقا و امنیت هر دو کشور ایران و سوریه بوده و از طرفی در کنار قدرت مادی از ظرفیت‌های معنوی و قدرت نرم خود نیز برای نقش‌آفرینی در مسائل سوریه بهره‌برداری مطلوب نموده است. یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی عمومی است که به موازات سایر اشکال دیپلماسی در تحولات عربی مورد عنایت قرار گرفته است. در این مقاله تلاش شده است تا دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه و ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی و میزان نقش‌آفرینی در تحولات سوریه مورد بررسی قرار گیرد.

## مفاهیم نظری

### دیپلماسی عمومی چیست؟

همپوشانی معنایی دیپلماسی عمومی با مفاهیم و واژه‌هایی چون پروپاگاندا و روابط عمومی بین‌المللی مورد تأکید است. تدقیق بیشتر در این تفاوت‌ها، حوزه معنایی و جایگاه دیپلماسی عمومی و ویژگی‌های آن را بهتر تبیین می‌کند. «روابط عمومی عبارت است از: تأمین و ارائه اطلاعات به عموم، مطبوعات و سایر نهادها در خصوص اهداف، سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت یک کشور از طریق گفتگو با شهروندان، نهادها و رسانه‌های محلی و بین‌المللی». بدیهی است این مفهوم با مفهوم دیپلماسی عمومی نزدیکی انکارناپذیری دارد. ولی نکته اینجاست که غایت روابط عمومی، آگاه‌سازی مخاطبان داخلی است و همین موضوع تفاوت اصلی روابط عمومی با دیپلماسی عمومی است؛ زیرا در این نوع دیپلماسی مردم کشور یا کشورهای دیگر، هدف و مخاطب سیاست‌گذاری هستند. میناوند همچنین با استناد به نظر اورن استیفنز، نویسنده کتاب «واقعیات جهانی ساده لوح»، که اعلامیه استقلال آمریکا را نخستین و قدیمی‌ترین نمونه پروپاگاندا برمی‌شمرد، برنامه‌های دیپلماسی عمومی ایالات متحده را پروپاگاندا می‌نامد. (میناوند، ۱۳۸۳)

پروفسور مولانا نیز بر همین نظر است و به صراحت مینویسد که غرب همیشه سعی کرده با تبلیغات وسیع سیاسی و استفاده از زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و پروپاگاندا، محیط سیاسی و افکار عمومی ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر پیام‌ها، سیاست‌ها و اهداف خود قرار دهد و بدین ترتیب، از طریق رسانه‌های مدرن و سازمان‌های بین‌المللی امروزی دستور روز را برای مخاطبان تعیین کند. برخی از ابعاد این تبلیغات و پروپاگاندا به دیپلماسی عمومی معروف شده است (مولانا، ۱۳۸۳).

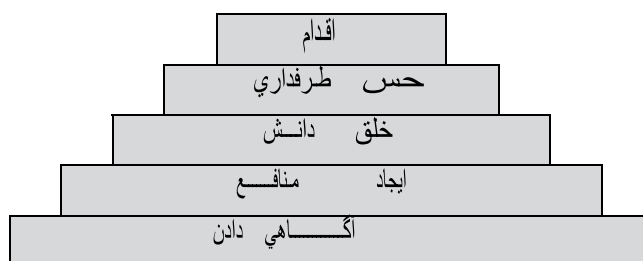
مک‌کلن معتقد است با اینکه دیپلماسی عمومی در بستر دیپلماسی سنتی پدید آمده، ولی با این حال، دیپلماسی عمومی نه پروپاگانداست و نه روابط عمومی. وی با ارائه تعریفی از فرهنگ لغت هریتیج، پروپاگاندا را تبلیغات

نظام مند از یک روش، موضوع یا اطلاعات که بازتابی از دیدگاه‌ها و منافع معتقدان به آن روش یا موضوع باشد، ذکر می‌کند. او همچنین روابط عمومی را طبق فرهنگ وبستر، شیوه نفوذ در مردم برای ایجاد یک درک خوشایند از یک شخص، شرکت یا مؤسسه تعریف می‌کند. مشخص است که هر دوی این تعاریف مرتبط با مفهوم دیپلماسی عمومی هستند، اما هیچ یک به تنهایی آن را تعریف نمی‌کنند. چنان که تعریف مناسب لازم است هم گویای نیازهای سیاست خارجی باشد که در قالب کشور حامی یا طرفدار (advocate country) بروز می‌یابد و هم با توجه به کشور هدف (target country) و مطالعات مربوط به روابط عمومی و پروپاگاندا بیان گردد. از این رو، مک‌کلن تعریف زیر را ارائه می‌دهد (McClellan, 2004):

«دیپلماسی عمومی، برنامه ریزی استراتژیک و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع رسانی توسط یک کشور حامی برای ایجاد محیط افکار عمومی در یک کشور هدف است؛ به طوری که رهبران سیاسی کشور هدف را قادر به تصمیم‌گیری حمایت‌گرانه و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی کشور حامی می‌سازد.»

### هرم ارتباطات دیپلماسی عمومی

چنانچه دیپلماسی عمومی را از آغاز تا تأثیر در قالب یک فرآیند بررسی کنیم، مراحل پنج‌گانه زیر را مشاهده خواهیم کرد: آگاهی (awareness)، منافع (interest)، دانش (Knowledge)، طرفداری (advocacy)، و اقدام (action). شکل زیر این پنج مرحله را به صورت یک هرم پنج طبقه نشان می‌دهد که هرم ارتباطات دیپلماسی عمومی نامیده می‌شود.



توجه به این نکته ضروری است که هر چه به سوی پایین هرم برویم، میزان مخاطبان بیشتر می‌شود، در حالی که هر چه به سمت بالای هرم برویم، هزینه برقراری ارتباط با افراد مخاطب، نسبت به پایین هرم به طور فزاینده‌ای سنگین تر می‌شود. از این رو، کمترین سرانه هزینه، مربوط به پایین هرم و بیشترین آن، مربوط به نوک هرم است. به طور کلی، هر طبقه در این هرم، طبقه زیرین خود را می‌سازد و طبقه بالاتر از خود را حمایت می‌کند؛ مثلاً یک فرد در ابتدا باید آگاهی کافی از زمینه‌های مورد نیاز خود به دست آورد، آن‌گاه منفعی را برای خود متصور شود، سپس نسبت به کشور حامی، دانش و شناخت لازم بیابد تا اینکه به یک حامی و طرفدار تبدیل شود و سرانجام به اقدامی خاص در پشتیبانی از کشور حامی دست بزند. از جمله این اقدامات می‌توان به دادن رأی مثبت در سازمان‌های بین‌المللی، امضای توافقنامه‌های تجاری و قراردادهای دوطرفه، تصویب قوانین مطلوب و ورود در اتحادها و پیمان‌های نظامی اشاره کرد. (McClellan, 2004)

در مطالعات بین المللی، «سیاست خارجی» عبارت است از تحلیل اقدامات یک دولت در قبال محیط خارجی و شرایط معمولاً داخلی مؤثر در تعیین اقدامات مزبور. «سیاست بین الملل» مطالعه آن اقدامات به منزله جنبه‌های از الگوی اقدامات یک دولت و واکنش‌های دیگران. و «روابط بین الملل» مطالعه همه شکل‌های دولتی و غیردولتی و واکنش متقابل اعضای جوامع مختلف است (هالستی، ۱۳۷۳، ص ۳۲)؛

واژه دیپلماسی دارای دو مفهوم به مثابه دو روی یک سکه است: کلمه ای مترادف با سیاست خارجی، و کلمه‌ای برای فعالیت‌های کارگزاران و مقامات رسمی سیاست خارجی یک کشور. در نتیجه مفهوم دوگانه دیپلماسی مؤید وجود دو جنبه سیاست خارجی است. یکی تدوین و دیگری اجرای آن. اما در واقع از آنجا که تعیین خط مشی سیاست خارجی هر کشور از متغیرهای متعددی چون مبانی فکری، ماهیت نظام بین الملل، خصوصیات و نحوه نگرش هیئت حاکم، توانایی‌های کشورهای کشور، نیازهای عینی جامعه، متغیرهای جغرافیایی و فرهنگ سیاسی جامعه تأثیر می‌پذیرد، از این رو، میتوان اذعان داشت که دیپلماسی از جمله ابزارهای اجرای سیاست خارجی است در حالی که سیاست خارجی دربرگیرنده اهداف است. دیپلماسی عمومی، برنامه‌ریزی استراتژیک و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع رسانی توسط یک کشور حامی برای ایجاد محیط افکار عمومی در یک کشور هدف است، به طوری که رهبران سیاسی کشور هدف را قادر به تصمیم‌گیری حمایت‌گرانه و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی کشور حامی می‌سازد. بر این اساس دیپلماسی عمومی یک راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمند است که روی نتایج کوتاه مدت و بلندمدت متمرکز است و در صدد ساخت یک تصویر مثبت از یک کشور نزد افکار عمومی خارجی است. منبع اساسی دیپلماسی عمومی، قدرت نرم است. قدرت نرم، شیوه ایجاد از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی است که موجب میشود یک کشور بتواند کاری کند تا کشورهای دیگر، همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد. این قدرت، که قدرت متقاعد کننده هم خوانده می‌شود، توانایی شکل یا تغییر دادن ترجیحات و اولویت‌های دیگران است.

### روش‌شناسی تحقیق

روش نظریه زمینه‌یاب یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که بر مبنای اصول استقرار، مفاهیم نهفته در پدیده‌ها را کشف و الگوهای از مفاهیم و ارتباطات بین آنها را ارائه می‌کند. (حسینقلی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۶۳) بارنی گالیزر و آنسلم اشتراوس نخستین بار در کتابی تحت عنوان تکوین نظریه زمینه‌یاب راهبردهایی را برای پژوهش کیفی معرفی و تلاش کردند با بهره‌گیری از رویکردی جدید تجزیه و تحلیل اکتشافی داده‌ها را ارائه نمودند. آنان در پی انجام شکلی از مطالعات میدانی بودند که قادر به تولید نظریه پس از جمع‌آوری و بر مبنای داده‌های تحقیق باشد. نظریه زمینه‌یاب ما را راهنمایی می‌کند تا حضور فرهنگ، نمادها و کنش‌های معنادار را در متن زندگی و کردارهای سیاسی نادیده نگیریم. از اینرو، اندیشه سیاسی را باید در ارتباط با سازوکارهای خاطرات جمعی، سیاست‌های نمادی، نظام نشانه‌ها و رمزها و نمادها و... بعنوان زمینه‌سیاسی هر جامعه تحلیل کرد. این نظریه، بر پایه روشی استقرایی و اکتشافی استوار است که پژوهشگر به جای آزمودن نظریه‌های موجود، به تدوین نظریه بر اساس داده‌های

واقعی می‌پردازد. بنابراین، روش پژوهش برای تولید نظریه بر اساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها و در فرآیند پژوهش ساخت می‌یابد. از آنجا که نظریه زمینه‌یاب، دربردارنده رویکردی فرآیندمحور است که امکان بررسی و تغییر یک پدیده در طول زمان و توصیف مراحل مختلف آن را می‌دهد لذا در این گروه از تحقیقات، هدف تنها معنی‌دار کردن اطلاعات کیفی نیست، بلکه هدف تعیین ارتباط بین طبقات مفهومی و شرایطی است که تحت آن شرایط، دستاوردهای نظری به دست آمده، تغییر کرده و یا برقرار می‌شود. در نظریه زمینه‌یاب بر این امر تأکید می‌شود که با توجه به ماهیت کنش‌های انسانی و اهمیت یافتن معنا در متن کردارهای اجتماعی، لازمه ارائه فهمی همه‌جانبه دقیق و همه‌گیری از نظریه‌هایی است که بتوانند با اتخاذ رویکردی تفسیری به کُنه معانی و کردارهای اجتماعی بروزیافته دست یابند. بنابراین همه انواع تفکر و کنش، عناصر برآمده از زیست جهان اجتماعی — فرهنگی و تاریخی مشخصی به شمار می‌روند؛ دنیایی که این انواع تفکر و کنش در آن به عنوان اموری مسلم فرض شده و مورد پذیرش جامعه قرار گرفته است. نظریه زمینه‌یاب، بحث اصلی خود را واکاوی زمینه‌های ادراکی در جامعه از طریق فهم سازوکارهای چگونگی تثبیت انگاره‌ها و معانی بر پایه منطقی درونی آنها می‌داند. فرآیندی که بر اساس آن، این ظرفیت ایجاد می‌شود که با عطف نظر به نقش نمادها، نشانه‌ها و کدهای مشترک زبانی امکان فهم و آگاهی یافتن از رویدادها و روابط متقابل میان زمینه‌ها، شرایط و پیامدها فراهم شود. (نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۱۴)

در روش نظریه زمینه‌یاب چند مرحله در انجام پژوهش انجام گرفته است. انجام مصاحبه‌های عمیق، مشاهده مشارکتی، مشاهده، نمونه‌گیری نظری، بیان مساله، سوالات تحقیق، مرور ادبیات پیشین، ارزیابی روش شناختی، تحلیل و ارزیابی نهایی بکار گرفته شد. در این روش، پژوهشگر از طریق مرور ادبیات موجود و با تأمل درباره دستور کار پژوهشی خود تلاش نمود با طرح پرسش‌های دقیق، ابعاد و حدود مسئله مورد پژوهش را مشخص کند. در جریان گردآوری داده‌ها، محقق به مفاهیمی مهم در موضوع مورد مطالعه عنایت و تأکید نمود. بهره‌گیری از روش تحلیل بازاندیشی، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا با درک الگوها و انگاره‌های معنابخشی که در متن کنش‌های اجتماعی وجود دارد، بتوان ساختارهای معنایی نهفته را مورد شناسایی قرار داد و دریافت که چگونه نحوه خاصی از اندیشه و عمل سیاسی محوریت می‌یابد. پژوهشگر در این چارچوب، مقید و محدود به نظریه‌ای از پیش مفروض نبوده و تلاش نمود متأثر از بازاندیشی و تأمل درباره مفاهیم و مقوله‌ها به ارزیابی نهایی متناسب با پژوهش نائل شود. در این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با کارشناسان موضوع بهره‌برداری مطلوب به عمل آمد.

### مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات و بحران سوریه

آغاز موج اعتراض در کشورهای عربی منطقه و به خصوص شکل‌گیری بحران در سوریه، بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای هریک نسبت به بحران اخیر سوریه تصمیم‌گیری نموده و در راستای منافع خود، مواضع خاصی را اتخاذ نمودند. در این بین جمهوری اسلامی ایران سیاست حفظ منافع استراتژیک در ارتباط با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و گروه‌های اسلامی نظیر حزب‌الله و حماس که در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه نقش ویژه‌ای ایفا می‌نمایند را در رویکرد سیاست خارجی دنبال نمود و از آنجا که سوریه از جمله کشورهای است که نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد، به همین دلیل جمهوری

اسلامی ایران با دقت و حساسیت ویژه‌ای تحولات سوریه را دنبال نموده و به عنوان یک بازیگر و قدرت مهم منطقه‌ای، تلاش نموده که در راستای تداوم مناسبات راهبردی با این کشور و نیز حفظ منافع ملی و منطقه‌ای خود، اقدام به اتخاذ مواضع حمایتی از حکومت بشار اسد در سوریه نماید. دلایل توجه خاص جمهوری اسلامی ایران به بحران در این کشور و اهمیت آن را در موارد زیر می‌توان جستجو نمود: ۱. ممکن است اقلیت علوی یا بقایای حزب بعث قدرت را در این کشور به دست گیرند، ۲. این احتمال وجود دارد که تداوم جنگ داخلی در سوریه منجر به تشدید نزاع میان گروه‌های مذهبی و قومی - نژادی شود، ۳. احتمال این که اکثریت سنی مذهب بتوانند در بحبوحه بحران از فرصت استفاده نموده و خود را برای رسیدن به قدرت تقویت و تجهیز کنند با توجه به مؤلفه‌های مذکور، جمهوری اسلامی ایران در واکنش به بحران سوریه همواره سعی نموده تا ضمن حمایت از خواسته‌های مردم این کشور، تأکید بر انجام اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت ملی در سوریه، حمایت همه جانبه خود را نسبت به این کشور اعلام کند. (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۴۱) به همین جهت تلاش‌های جامعی را جهت مشاوره و کمک مستشاری به ارتش سوریه انجام داده تا حکومت سوریه همچنان بر سر قدرت محفوظ ماند. چراکه اگر جمهوری اسلامی ایران دست از حمایت حکومت بشار اسد در سوریه بردارد، هیچ تضمینی وجود ندارد که حکومت جدیدی که در دمشق قدرت را به دست گیرد، روابط خود را با ایران همچنان ادامه دهد. پس جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا در در این مرحله دست کم حکومت دمشق را از بحران خارج نماید. جمهوری اسلامی ایران به این مسأله واقف است که در قبال حمایت‌هایش از حکومت بشار اسد، همکاری و ائتلافش با سوریه همچنان تداوم خواهد یافت. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با تداوم حمایت خود، چندین هدف حیاتی دیگر نظیر جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه با هدف جلوگیری از توسعه نفوذ رژیم اسرائیل در منطقه، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دنبال می‌کند. از این منظر با فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، بعید به نظر می‌رسد که حکومت جایگزین در این کشور با جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی مشترک، همراهی و سازگاری نشان دهد. از منظر دیگر می‌توان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد میکند و به همین دلیل اعتراضات و ناآرامی‌های درونی سوریه را نوعی انتقام‌گیری از موقعیت برجسته سوریه در مقاومت علیه نظام سلطه و متحدان منطقه‌ای خود میدانند. از طرف دیگر سوریه به عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی کشورهای رقیب منطقه‌ای یعنی عربستان و ترکیه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. به عبارت بهتر سوریه به کانون تضاد منافع نیابتی کشورهای غربی و هم‌پیمانان آنها در منطقه خاورمیانه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران در طی بحران سوریه هیچگاه از راه‌حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از کشورهای منطقه‌ای و غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت نموده است؛ بلکه برعکس، مسئولان و تصمیم‌گیرندگان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک راه وجود دارد و آن نیز راه حل سیاسی است. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر حل بحران داخلی سوریه، توسط مردم سوریه میباشد و هر نتیجه‌ای نیز که در این راستا حاصل شود، بنابر صلاحدید مردم این کشور رقم خورده است. با توجه به این مهم، دیدگاه حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی ایران نسبت به حل بحران سوریه در سه مؤلفه مهم خلاصه میشود: ۱. توقف خشونت و کشتار مردم در سوریه، ۲. عدم



مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان، ۳. حفظ دولت بشار اسد در کنار تأکید بر ضرورت اصلاحات داخلی (پرچمدار، ۱۳۹۲: ۵۹) تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه به عنوان یک متحد راهبردی در منطقه خاورمیانه مینگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروههای اسلامی از قبیل حماس و حزب الله را همواره بعنوان یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین جمهوری اسلامی ایران سوریه را به عنوان یک سپرد دفاعی امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می‌نماید که در صورت فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران به حکومت بشار اسد در سوریه، کمک مالی، نظامی و امنیتی اعطاء مینماید (نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۴) از حمایت‌ها و ارسال منابع مادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران به سوریه می‌توان چند مسأله را استنباط نمود: اول اینکه حکومت سوریه در کوتاه مدت سقوط نخواهد کرد؛ البته این امکان وجود دارد که نظام سوریه تضعیف شود و یا فشارهای بین‌المللی کشورهای غربی بر سوریه تشدید شود اما حاکمیت سوریه همچنان برقرار خواهد ماند. دوم اینکه انگیزه ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی بودن سوریه تشدید شده و این امر به تعمیمی توان محور مقاومت خواهد انجامید که این امر برای جمهوری اسلامی ایران بسیار ارزشمند است. سوم اینکه دولت‌های غربی در رویکرد خود نسبت به مسئله هسته‌ای ایران سعی نموده‌اند که بحران سوریه و مسئله هسته‌ای ایران را به هم پیوند زنند چهارم آنکه در صورت پیروزی بشار اسد در سوریه، جمهوری اسلامی ایران نه تنها به یک قدرت منطقه‌ای بلکه به قطب بزرگ و مرکز شیعیان جهان نیز تبدیل خواهد شد (ودیدی، ۱۳۹۲: ۴۶)

### اقدامات جمهوری اسلامی ایران با کاربست دیپلماسی عمومی در تحولات سوریه

جمهوری اسلامی ایران، برای صدور انقلاب و نفوذ فرهنگی خود در سطح منطقه‌ای و جهانی، دیپلماسی عمومی را مبنای عمل خود قرار داده و ارتباط با مردم کشورهای اسلامی و غیر اسلامی را برای پیشبرد این سیاست، در دستور کار خود قرار داده و متولی اصلی دیپلماسی عمومی ایران وزارت امور خارجه است. نظر به اهمیت تحولات جهان اسلام از طرفی و وضعیت خاص کشور سوریه در معادلات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران، مسئولین این کشور را بر آن داشت تا سازمان‌ها و مراکز مختلفی را برای اجرای بخشی از دیپلماسی عمومی بکارگیری نمایند که در ادامه به معرفی و فعالیت‌های تعدادی از مهمترین بخش‌های دولتی و نیمه‌دولتی پرداخته می‌شود:

- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مهمترین برنامه‌های مرکز دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه، ایجاد سازوکارهای لازم در حوزه اداری و اجرایی کشور برای توجه به دیپلماسی عمومی، همکاری با نهادهای مختلف، برقراری ارتباط گسترده با جهان، حضور مؤثرتر در حوزه افکار عمومی جهان، ایجاد تمرکز در برنامه‌های نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور و شناسایی حوزه‌های مرتبط با افکار عمومی، شناسایی ظرفیت نهادهای مردمی، فعال کردن حوزه‌های جدید ارتباطاتی در کنار حوزه‌های سنتی و رسمی سیاست خارجی، استفاده از رسانه‌ها برای معرفی ایران و دیدگاه‌های رسمی کشور، گسترش مبادلات رسانه‌ای ایران با کشورهای دیگر برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جهانیان می‌باشند.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشر ارزش های انقلاب بر پایه مکتب فکری و سیاسی امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، گسترش مناسبات فرهنگی با ملل مختلف، آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و اهداف و دستاوردهای انقلاب اسلامی، صدور محصولات فرهنگی و هنری با رویکرد اسلامی ایرانی، ساماندهی فعالیت های بین المللی مراکز فرهنگی و هنری با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، برگزاری جشنواره ها، همایش ها و نمایشگاه های فرهنگی و هنری در سطح ملی و بین المللی و مبادلات رسانه ای از مهم ترین اقدامات وزارتخانه مذکور است.

- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی هدف این سازمان ایجاد و گسترش شناخت، علاقه و باور نسبت به اسلام ناب، انقلاب اسلامی، مزیت های جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی در جوامع دیگر به منظور گسترش پرتو اسلام و تحکیم همگرایی و پیوندهای اسلامی، دینی و معنوی است. برخی از اقدامات صورت گرفته سازمان در راستای سیاست های ایران و انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی شامل: حوزه فرهنگی (پیگیری تأسیس شعبه دانشگاهی ایران در سوریه، اشاعه فرهنگ علوی در سوریه، تلاش برای آموزش زبان فارسی در مدارس سوریه، برگزاری دوره تربیت مربی قرآن در سوریه) حوزه ترجمه و نشر آثار (انتشار کتاب هایی از انقلاب اسلامی ایران، محمداقصر صدر و بنت الهدی صدر، لحمک لحمی و دمک دمی حاوی فرمایشات مقام معظم رهبری درباره رابطه دوستی عمیق دو ملت ایران و سوریه) حوزه بیداری اسلامی (برگزاری همایش هایی با موضوعات بیداری اسلامی، فلسطین و وحدت جهان اسلام، انقلاب اسلامی و امام خمینی و دعوت از اندیشمندان و سیاستمداران سوریه)

- جامعه المصطفی العالمیه (ص): نهادی علمی و بین المللی با هویت حوزوی و با هدف گسترش علوم اسلامی و انسانی و با رویکرد آموزشی، پژوهشی و تربیتی است که شمار زیادی از داوطلبان و دانشجویان خارجی را زیر پوشش گرفته است. تنوع ملیتی فراگیران، گستردگی شعبه ها، مراکز و مؤسسه های آموزشی و پژوهشی در بسیاری از کشورهای جهان، این نهاد علمی را در زمره مراکز علمی و فرهنگی برتر جهان قرار داده است. تاکنون بیش از پنجاه هزار طلبه در جامعه المصطفی (ص) تحت تعلیم و تربیت گرفته اند که ۲۵۰۰۰ نفر از آنان، دانش آموخته شده و به کشورهای خود بازگشته اند. تأسیس مرکز گفتگوی ادیان، برگزاری همایش، نشست تخصصی و پژوهشی در داخل و خارج کشور، شناسایی عالمان برجسته و تأثیرگذار جهانی و تقدیر از خدمات و فعالیت های ارزنده آنان با عنوان جایزه جهانی المصطفی، فعالیت های تألیفی با هدف تولید اندیشه و گسترش جنبش نرم افزاری، تحقق نهضت ترجمه و گسترش ارتباطات و تعاملت علمی با مراکز علمی و فرهنگی کشورهای گوناگون از اهم فعالیت های جامعه المصطفی می باشد که البته تعداد زیادی از طلبه ها از اتباع کشور سوریه می باشند.

- بنیاد اندیشه اسلامی: مؤسسه ای فرهنگی و مطبوعاتی است و ۱۶ عنوان مجله به زبان های گوناگون برای چهار گروه اقشار تحصیل کرده، عموم مردم، بانوان، کودکان و نوجوانان منتشر می کند. اسامی این نشریات بر اساس گروه های چهارگانه فوق عبارتند از: ثقافتنا (عربی)، التوحید (عربی)، الوحده (عربی)، العالم (عربی)، الطاهره (عربی) الهدی (عربی)، زمزم (عربی) که در حوزه کشورهای عربی و سوریه فعالیت دارد.

- مجمع جهانی اهل بیت(ع): این سازمان با اهدافی چون احیا و گسترش فرهنگ و معارف اسلام ناب محمدی و حراست از حریم قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، ایجاد و تقویت وحدت در بین تمامی ابنای امت اسلام، حمایت از موجودیت مسلمانان و پیروان اهل بیت، کمک به رشد و اصلاح وضعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیروان اهل بیت(ع) در جهان، خارج کردن پیروان ایشان از مظلومیت رسانه‌ای و محرومیت‌های علمی تأسیس گردید. ترجمه و توزیع آثار پژوهشی حدود ۱۰۰۰ عنوان کتاب به ۳۳ زبان زنده دنیا و انتشار مجلات دوره‌ای و رساله‌های تقلین به زبان عربی از جمله فعالیت‌های این سازمان در حوزه بیداری اسلامی و سوریه می‌باشد.

- اتحادیه بین‌المللی امت واحده: با اعلام نیاز مردمان جهان برای آشنایی با اسلام و انقلاب اسلامی، نیاز به ارائه گفتمان جهانی انقلاب اسلامی و مسئله صدور انقلاب مطرح گردید. اتحادیه بین‌المللی امت واحده در مسیر صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی شکل گرفته است و در پی دستیابی به این اهداف تلاش می‌نماید. معرفی گفتمان انقلاب اسلامی، مقابله با تهدیدات ابرقدرت‌ها در مقابل بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی، ساماندهی تهاجمات فکری و فرهنگی علیه ابرقدرت‌ها، حمایت از هسته‌های مقاومت و همه‌مستضعفان جهان از جمله فعالیت‌های این اتحادیه می‌باشد.

- صدا و سیمای جمهوری اسلامی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقابله با هجوم و عملیات تبلیغی رسانه‌های غرب علیه اسلام و انقلاب جز با تجهیز به تاکتیک‌ها و ابزار رسانه‌ای مناسب میسر نبود. این امر لزوم سازماندهی مکانیسم‌های عمل رسانه‌ای را در منظر سیاستگذاران سازمان صدا و سیما قرار داد و سرانجام حوزه برون مرزی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۱ به سطح معاونت ارتقا و دامنه کاری خود را گسترش داد. معاونت برون مرزی به زبان‌های مختلف برای مخاطبان خارج از ایران برنامه تهیه و پخش می‌کند. این معاونت شامل تعدادی شبکه رادیویی و تلویزیونی و نیز پایگاه‌های اینترنتی متعدد می‌باشد:

\* شبکه‌های تلویزیونی برون مرزی:

الف) شبکه سحر: در سال ۱۹۸۳ میلادی پخش اولین برنامه‌های تلویزیونی برون مرزی، آغاز شد. رسالت شبکه جهانی سحر در صدور انقلاب اسلامی، در این محورها قابل بررسی است: معرفی انقلاب اسلامی ایران به عنوان شاخص‌ترین قیام دینی سده اخیر، تبیین اندیشه سیاسی اسلام، دیدگاه اسلام در خصوص استقلال و نفی ظلم و ظلم‌پذیری ملت‌ها، معرفی شخصیت و نظرات امام خمینی(ره)، تحکیم همبستگی و ایجاد تفاهم میان مسلمانان، مقابله با نفوذ فرهنگ غربی در جهان اسلام، افشاگری علیه سیاست‌های استکباری و اطلاع رسانی اخبار جهان و ایران به ویژه رویدادهای امیدبخش جهان اسلام و نهضت‌های آزادی بخش به منظور مبارزه با سلطه خبری اغواگرانه غرب و صهیونیسم

ب) شبکه الکوثر: ایران با هدف تحت پوشش قرار دادن جهان عرب، ضرورت تأسیس یک شبکه عربی زبان را احساس نمود. در آغاز با نام سیمای عربی و در سال ۱۳۸۴ الکوثر به عنوان یک شبکه ماهواره‌ای مستقل کار خود را

ادامه داد. حجم گسترده مخاطبان شیعی و افزایش انتظارات آنان، الکوثر را بر آن داشت که به محتوای برنامه‌ها و نیز ساعات پخش خود بیافزاید. الکوثر اکنون به عنوان شبکه معارف اهل بیت (ع) به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کند.

ج) شبکه العالم: در فوریه ۲۰۰۳ میلادی همزمان با تجاوز نیروهای آمریکایی و انگلیسی به کشور عراق، فعالیت خبری خود را به زبان عربی با شعار سرعت، صحت و دقت با اهداف ذیل آغاز نمود: اطلاع رسانی سریع و شفاف از رویدادها و تحولات سیاسی جهان و منطقه، بررسی ریشه‌های تاریخی مشکلات مسلمین و راه‌های برون رفت از آن، گسترش روح همدلی نسبت به هویت فرهنگی واحد، آرمان‌ها و مصالح مشترک مردم منطقه از جمله جنگ سوریه از فعالیت‌های این شبکه است.

د) آی فیلم: شبکه ای که با دو زبان عربی و فارسی پخش می‌شود. این شبکه در ۱۳۸۹ آغاز به کار کرد. هدف اصلی این شبکه، پخش فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی برای جهان در تمام طول ساعات شبانه روز می‌باشد. رویدادهای تاریخی، مشاهیر و روحیه استعمارستیزی، از موضوعاتی است که در این شبکه مطرح می‌شوند. مخاطبان این شبکه را حدود ۳۰۰ میلیون نفر از عرب‌زبانان کشورهای مختلف تشکیل می‌دهند.

- مجمع جهانی صلح اسلامی در راستای پیشبرد صلح عادلانه مبتنی بر کرامت انسانی و عدالت جهانی، مجمع جهانی صلح اسلامی به عنوان یک سازمان غیردولتی بین‌المللی در سال ۱۳۸۶ تأسیس گردید. اهداف اصلی آن افزایش همگرایی، دوستی و مودت میان ملت‌ها و همفکری با اندیشمندان برای دستیابی به الگویی جامع در مورد صلح جهانی است که از روش‌های مختلفی پیگیری می‌نماید: برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی (ملی، منطقه‌ای و جهانی)، تدوین و انتشار آثار علمی و هنری، برگزاری نمایشگاه‌ها و مسابقات (علمی، هنری و فرهنگی) انجام تحقیقات و پژوهش‌های علمی، برگزاری دوره‌های آموزشی و همکاری با دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای که در تحولات عربی فعالیت چشمگیری داشته است.

- دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع): مؤسسه‌ای آموزشی و غیردولتی که توسط مجمع جهانی اهل بیت (ع) در سال ۱۳۷۸ تأسیس و به جذب و آموزش دانشجویان خارجی اهتمام می‌ورزد. مهمترین اهداف دانشگاه مذکور را می‌توان به شرح ذیل نام برد: احیا و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی و میراث تشیع، پذیرش و آموزش دانشجویان شیعی از ملل مختلف و اعطای بورس تحصیلی، تربیت نیروهای علمی متخصص مورد نیاز جهان اسلام، برگزاری همایش‌های علمی، برقراری ارتباط با شخصیت‌های علمی و فرهنگی شیعی دنیا و بهره‌گیری از تجارب پژوهشی و فرهنگی آنان. هم‌اکنون تعدادی از دانشجویان شیعی سوریه در این دانشگاه تحصیل می‌نمایند.

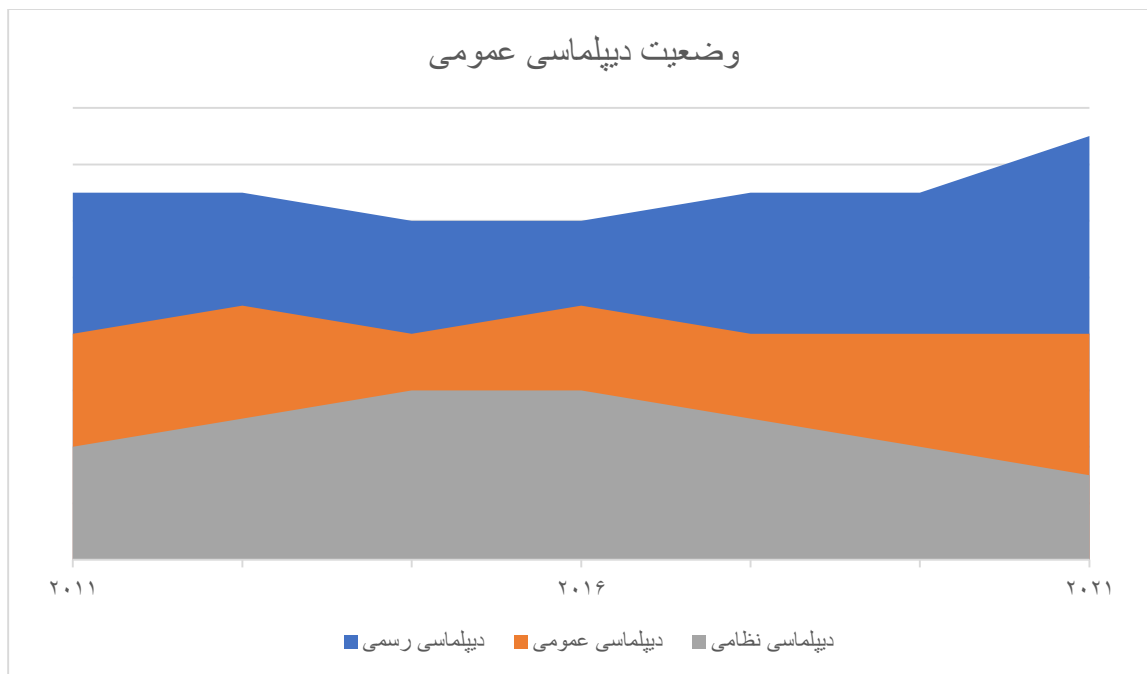
- دانشگاه مذاهب اسلامی: به منظور همبستگی و تقریب بیشتر پیروان مذاهب اسلامی و نظر به نیاز مبرم به پژوهش‌های جدید بر اساس مقارنه بین مذاهب و غنی‌تر ساختن بررسی‌ها و مطالعات آنها، دانشگاه مذاهب اسلامی تأسیس شده است. پرورش نسلی از علما و دانشمندان مسلمان که در عین آگاهی از مذاهب خود، از مبانی دیگر مذاهب اسلامی مطلع و مایه وحدت مسلمانان باشند. تربیت خطیب و مبلغ دینی برای داخل و خارج از کشور از اهداف این دانشگاه می‌باشد. همایش‌های علمی و فرهنگی که دانشگاه مذاهب اسلامی جهت گفتگو و تقریب مذاهب برگزار کرده است عبارتند از: نقش تقریب مذاهب اسلامی در گفتگوی تمدن‌ها، اجتهاد و نقش آن در وحدت

اسلامی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، در محضر علامه طباطبایی، بررسی آرا و اندیشه های امام ابوحنیفه با حضور اساتید شیعه و سنی، امر به معروف و نهی از منکر و همایش سراسری اجتهاد در دوره معاصر از جمله فعالیت‌های این دانشگاه بوده و تعدادی از علما و اندیشمندان سوریه با این دانشگاه ارتباط علمی و تخصصی دارند.

- وزارت علوم تحقیقات و فناوری: به عنوان مرکز جذب دانشجویان خارجی عمل نموده و در حوزه دیپلماسی عمومی فعال می‌باشد. هم‌اکنون تعداد ۵۶ هزار دانشجوی خارجی در دانشگاه‌های کشور تحصیل می‌نمایند که همه ساله تعدادی بورسیه نیز به کشور سوریه تخصیص می‌یابد. طبق آخرین آمار مربوط به سال ۱۴۰۰ تعداد ۷۵۰ دانشجوی سوری در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی ایران در حال تحصیل می‌باشند. این آمار علاوه بر تعداد دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌باشد که با احتساب تعداد کل دانشجویان شاغل به تحصیل و فارغ‌التحصیل این آمار قابل توجه خواهد بود.

- دیپلماسی عمومی در فضای مجازی و نوین: در دنیای ارتباطات نوین، اطلاع‌رسانی و ارتباط جهانی از مهمترین مسائل است. در همین چارچوب و برای نیل به این هدف، سامانه‌های مجازی ذیل در جهت تعامل اینترنتی با مخاطبان خود شده است: (۱) سایت بنیاد اندیشه اسلامی به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه و حاوی متن کامل مجلات بنیاد فعالیت می‌نماید. (۲) سامانه رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به هفت زبان فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، اردو و روسی با هدف تهیه مقالات مبتنی بر موضوعات روز، جریان‌های تأثیرگذار با گستره جهانی مانند بیداری اسلامی، مناسبت‌های ملی مذهبی مانند ماه رمضان، عاشورا و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ارتقای سطح کیفی نشریات رایزنی‌های فرهنگی در زمینه‌های گوناگون فعالیت می‌نماید. (۳) خبرگزاری ابنا: با وجود خبرگزاریها، مطبوعات و سایت‌های خبری موجود، همواره خلأ یک رسانه یا خبرگزاری که به شکل تخصصی در رابطه با اخبار تشیع و پیروان اهل بیت(ع) در سراسر جهان فعالیت کند، حتی در ایران احساس می‌شد. خبرگزاری ابنا، شکل توسعه یافته سایت شیعه نیوز بوده و در حوزه بیداری اسلامی و تحولات عربی هم فعالیت زیادی دارد.

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات سوریه تحت تاثیر دیپلماسی رسمی و دیپلماسی نظامی قرار گرفته است. این امر ناشی از وضعیت خاص سوریه و تقابل دو جریان دوستان و دشمنان آن کشور بوده است. در واقع مسأله و راهبرد اصلی جمهوری اسلامی در وهله اول حفظ و بقای حکومت سوریه بوده و در این راهبرد دست به سیاست‌های اجرایی فوری ضرور فعال در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای به نفع سوریه و حضور مستشاری برای کمک به نیروهای نظامی آن کشور نموده است. اگرچه در کنار این دو رویکرد از ظرفیت دیپلماسی عمومی نیز بهره‌برداری نموده است. به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای سه بال اصلی شامل دیپلماسی رسمی نظامی و عمومی شکل گرفته است لکن دیپلماسی عمومی در طول تحولات سوریه تحت تأثیر دیپلماسی رسمی و نظامی قرار گرفته به طوری که بر میزان کارایی و اثرگذاری آن مؤثر بوده است در دیپلوماسی زیر سعی شده است تا بطور حدودی وضعیت دیپلماسی عمومی در کنار دو دیپلماسی دیگر نشان داده شود.



### فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در سوریه

الف) فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در سوریه قابل توجه است. روابط نزدیک تهران - دمشق به پیروزی انقلاب اسلامی، همکاری سوریه با ایران در جنگ تحمیلی و کمک ایران به سوریه‌ها در سالهای پس از جنگ، به ویژه در بحران و درگیری‌های سالهای اخیر در سوریه پیوند خورده است. این امر فرصت‌های مناسبی را برای ایران برای پیشبرد دیپلماسی عمومی در سوریه فراهم کرده است. برخی از این فرصت‌ها عبارتند از: - حمایت از محور مقاومت؛ - سرمایه‌گذاری ایران در سوریه و احداث کارخانه‌های سیمان در این کشور؛ - سفر زائران ایرانی به سوریه؛ - روابط دوجانبه فرهنگی در زمینه علمی و دانشگاهی و برگزاری هفته‌های فرهنگی؛ - حضور علویان و شیعیان در سوریه. ب) مجموع عوامل مذکور ظرفیت‌های مثبتی را برای حضور ایران در سوریه ایجاد نموده است لکن در کنار فرصت‌های موجود برخی چالش‌ها و موانع دیپلماسی عمومی ایران در سوریه نیز وجود داشته که اعمال و اجرای دیپلماسی عمومی در این منطقه را با چالش روبرو می‌سازد:

۱) ضعف در رویکرد: کم‌توجهی به رویکرد بلندمدت و توجه کافی نداشتن به هویت‌سازی و انگاره‌سازی موجب شده است که کاربرد و کارآمدی دیپلماسی عمومی ایران در سوریه نسبت به دیپلماسی رسمی کمتر باشد.

۲) مشکلات در بکارگیری ابزارها: ایران با وجود داشتن ابزارهای جدید، به ویژه هنر و سینما، از آنها در سوریه کمتر بهره‌می‌برد. (کشاوری، شکری، ۱۳۹۲: ۱۷)

۳) بی‌اعتمادی برخی مذاهب و گروه‌ها به ایران: بی‌اعتمادی و سوءظن دیرینه متقابل ایران و اعراب پیشینه تاریخی دارد. این بی‌اعتمادی به برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های سنی و مخالف دولت سوریه سرایت نموده که البته تا

حدودى به نقش ايران نيز مربوط مى‌شود. راهبرد مناسب ايران در درگيرى‌هاى داخلى سوريه اگرچه به کاهش سوءتفاهمات کمک کرد، ولى آن را از بين نبرده است. (۴) ايدئولوژيک، سياسى و امنيتى شدن فرهنگ ايران: در اثر تحولات عراق، سوريه، لبنان و يمن، فرهنگ و هويت ايرانى و شيعى، سياسى و امنيتى نشان داده شده است. در اين زمينه رسانه‌هاى عربى و غربى نقش فعال و مؤثرى دارند. اين تصور و تلقى، خود نوعى ايران هراسى را بر مى‌انگيزد که بر ساخت و ذهنيت‌سازى رسانه‌اى مربوط است. (۵) ناسيوناليسم عربى و پان عربيسم: رقباى منطقه‌اى ايران براى مقابله با جمهورى اسلامى در صدد احياى ايدئولوژى ناسيوناليسم عربى و سلفى‌گرى هستند. آنان تحولات عراق و سوريه، و نفوذ ايران در لبنان و يمن را نيز نشانه دخالت در امور داخلى اعراب تلقى مى‌کنند. از اينرو، تقويت ناسيوناليسم عربى و پان عربيسم را سازوکار و راهکارى براى مقابله با نفوذ و قدرت ايدئولوژيک و فرهنگى ايران قلمداد مى‌کنند. (۶) Owen ۲۰۰۴: ۵۹-۶۰) وهابيت و سلفيگري: سلفيگري افراطى و وهابيت سياسى شده، ايدئولوژى مذهبي مقابله با فرهنگ ايرانى و انقلاب اسلامى را بر مى‌انگيزد. با قدرت‌يابى شيعيان از سوى ديگر، مجدداً فعاليت گروه‌ها و جنبش‌هاى وهابى در منطقه فزونى گرفته است. (۷) قدرت نرم و ديپلماسى عمومى آمريکا: آمريکا براى مقابله با فرهنگ و آموزه‌هاى اسلامى انقلاب اسلامى، از ديپلماسى عمومى (رسانه‌اى و فرهنگى) و قدرت نرم خود در منطقه و بويژه سوريه عليه ديپلماسى، ديپلماسى عمومى و ديپلماسى رسانه‌اى ايران استفاده مى‌کند. (کنگاورى و ابراهيمى، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۹)

ج) مهمترين ابعاد اهميت استراتژيک سوريه براى جمهورى اسلامى ايران را مى‌توان در قالب چهار اصل مورد بررسى و تحليل قرار داد: (۱) سوريه محور مقاومت در برابر نفوذ افسارگسيخته غرب در خاورميانه است. بنابر اين اصلى‌ترين منافع ايران در سوريه در قالب حفظ و تقويت محور مقاومت و مقابله با توسعه نفوذ بازيگران منطقه‌اى و فرمانطقه‌اى نظير عربستان، ترقيه و آمريکا قابل ارزيايى است. در واقع، جمهورى اسلامى به علت پيشينه روابط دوستانه با سوريه و نقشى که اين کشور در تحکيم نفوذ ايران در منطقه دارد، تلاش کرده است منافع مبتنى بر نفى تسلط بازيگران خارجى به ويژه آمريکا در منطقه و تقويت محور مقاومت را با جديت تمام پيگيرى کند. (۲) حفظ حلقه ارتباطى با حزب‌الله و خط تقابل با اسرائيل بعد از پيروزى انقلاب اسلامى ايران، سياست ضديت با اسرائيل يکى از محورهاى اساسى سياست خارجى کشور ايران قرار گرفت و نزديکى تهران به دمشق به بالاترين سطح خود رسيد. علاوه بر مسئله ضديت با اسرائيل، عامل اساسى ديگرى که باعث شده است ايران روابط خود با سوريه را مستحکم کند موضع و سياست‌هاى سوريه در برابر حزب‌الله لبنان است. اين نزديکى روابط در راستاى تأمين امنيت جمهورى اسلامى ايران و همچنين سوريه در برابر اسرائيل هست که در اين راهبردهاى ضد صهيونيستى، حزب‌الله لبنان نقش کليدى را در سياست خارجه ايران و سوريه بازي مى‌کند. (۳) سوريه نقطه اتصال ناسيوناليسم عربى و هويت ايرانى - اسلامى، مليگرايى و دولت ملي پديده‌هاى نوظهورى در تاريخ جوامع اسلامى هستند. در پى سلطه همه جانبه اروپاييان بر جهان، اروپايى کردن نظام جهانى در دستور کار قرار گرفت و کشورهاى عربى خاورميانه قسمتى از اين جهان مدرن شدند. در اين ارتباط مهمترين مسئله براى ايران، ناهمخوانى هويت ملي ايرانيان با موج ناسيوناليسم عربى حاکم بر منطقه خاورميانه بوده است. اما علويان سوريه که عمدتاً جزو اقشار استثمارشده و مظلوم جامعه بوده‌اند، هرگز نتوانستند بر مبنای ناسيوناليسم عربى يا جريانه‌هاى فراگير ديگر با برادران سنى خود پيوند برقرار

سازند و همواره همبستگی دینی آنها بر سایر احساساتشان غلبه داشته است. این امر نقطه عطفی را نیز در رابطه ایران و سوریه ایجاد کرد. ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی موجود باعث ناممکن شدن روابط دوجانبه بین اعراب و ایران شده بود، اما در سوریه بعد از آغاز حکومت حافظ اسد کشوری که تا مدت‌های مدیدی تحت سلطه پان عربی بود هم اکنون تنها در قالب سکولاریسم حکومت می‌کرد و سیاست‌های پان عربیستی حزب بعث را کنار گذاشت که این امر وضعیت راهبردی بسیار مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد که بتواند با افزایش نفوذ خود در کشور سوریه بتواند خط اتصالی بین ناسیونالیسم عربی رقیق شده در سوریه و هویت ایرانی اسلامی ترسیم کند. این امر موجب شد که تاریخی از روابط بین دو کشور ایجاد شود که همراه با موافقتنامه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی متعددی شود که با مخالفت‌های گسترده اعراب روبرو شد. ۴) استراتژی دفاع - تهاجم ایدئولوژیک: استراتژی دفاع - تهاجم ایدئولوژیک، استراتژی‌ای است که وضعیت پایداری ایران در مداخله سوریه را در معرض نمایش می‌گذارد و اساساً این نکته را متوجه نظام بین‌المللی می‌کند که ایران حضوری دائمی در سوریه دارد، چراکه بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران معتقد بودند که حمایت ایران از دولت بشار اسد به صورت تدریجی کاهش خواهد یافت و ایران موضع خود را حداقل برای داشتن جایگاهی در حکومت جدید سوریه تغییر خواهد داد، اما اتفاقی که افتاد این بود که ایران نه تنها حمایت خود را از سوریه کاهش نداده است؛ بلکه با حمایت همه‌جانبه خود همه را شگفت‌زده کرد به طوری که حتی در صدد تغییر معادلات به نفع خود و دولت کنونی سوریه به رهبری بشار اسد است. استراتژی دفاع - تهاجم در واقع استراتژی که همزمان حالت دفاعی و تهاجمی خود را در سوریه به کار می‌بندد، تا بتواند با حفظ حکومت سوریه، امنیت خود را نیز بیمه نماید. به این صورت ایران از اتخاذ دفاع همه‌جانبه و منفعل در برابر هجوم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری غرب خودداری می‌کند، در عوض همزمان با اتخاذ حالت دفاعی و تبدیل کردن سوریه به یک سد دفاعی محکم، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک سوریه، سیاست‌های تهاجمی خود را نیز به صورت غیرمستقیم به کار ببندد تا بتواند از هزینه سنگین دفاعی خود بکاهد. با آغاز موج اعتراض در کشورهای عربی منطقه و به خصوص شکل‌گیری بحران در سوریه، بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای هر یک نسبت به بحران اخیر سوریه تصمیم‌گیری نموده و در راستای منافع خود، مواضع خاصی را اتخاذ نمودند. در این بین جمهوری اسلامی ایران سیاست حفظ منافع استراتژیک در پرتو روابط با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و گروه‌های اسلامی نظیر حزب‌الله و حماس که در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه نقش ویژه‌ای ایفا می‌نمایند را در رویکرد سیاست خارجی دنبال نمود و از آنجا که سوریه از جمله کشورهایی است که نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد، به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران با دقت و حساسیت ویژه‌ای تحولات سوریه را دنبال نموده و به عنوان یک بازیگر و قدرت مهم منطقه‌ای، تلاش نموده که در راستای تداوم مناسبات راهبردی با این کشور و نیز حفظ منافع ملی و منطقه‌ای خود، اقدام به اتخاذ مواضع حمایتی از حکومت بشار اسد در سوریه نماید. در رابطه با تمایل جمهوری اسلامی ایران به حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی سوریه محاسبات پیچیده و دشواری وجود دارد؛ چراکه با توجه به دلایل یادشده سوریه همواره برای ایران حائز اهمیت راهبردی بوده است و به همین دلیل است که ایران و سوریه در دهه‌های اخیر یک اتحاد استراتژیک را پایه‌گذاری نموده‌اند که در راستای موضع‌گیری نسبت برخی مسائل در خاورمیانه نظیر خصومت میان عرب-فارس، شیعه-سنی، پیروزی و



غلبه بعضی گروه‌های تروریستی و بنیادگرا در منطقه خاورمیانه، این اتحاد همواره حفظ شده است. ( ۵۹۵: ۲۰۱۱ Zaborowski .

جمهوری اسلامی ایران در واکنش به بحران سوریه همواره سعی نموده تا ضمن حمایت از خواسته‌های مردم این کشور، تأکید بر انجام اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت ملی در سوریه، حمایت همه‌جانبه خود را نسبت به این کشور اعلام کند. به همین جهت تلاش‌های جامعی را جهت مشاوره و کمک مستشاری به ارتش سوریه انجام داده تا حکومت سوریه همچنان بر سر قدرت محفوظ ماند. چراکه اگر جمهوری اسلامی ایران دست از حمایت حکومت بشار اسد در سوریه بردارد، هیچ تضمینی وجود ندارد که حکومت جدیدی که در دمشق قدرت را به دست گیرد، روابط خود را با ایران همچنان ادامه دهد. پس جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا در این مرحله دستکم حکومت دمشق را از بحران خارج نماید از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با تداوم حمایت خود، چندین هدف حیاتی دیگر نظیر جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه با هدف جلوگیری از توسعه نفوذ رژیم اسرائیل در منطقه، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دنبال می‌کند. از این منظر با فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، بعید به نظر می‌رسد که حکومت جایگزین در این کشور با جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی مشترک، همراهی و سازگاری نشان دهد. از منظر دیگر میتوان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد میکند و به همین دلیل اعتراضات و ناآرامی‌های درونی سوریه را نوعی انتقام‌گیری از موقعیت برجسته سوریه در مقاومت علیه نظام سلطه و متحدان منطقه‌ای خود می‌داند. از طرف دیگر سوریه به عرصه‌ای برای قدرتمندی کشورهای رقیب منطقه‌ای یعنی عربستان و ترکیه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. به عبارت بهتر سوریه به کانون تضاد منافع نیابتی کشورهای غربی و همپیمانان آنها در منطقه خاورمیانه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۴) جمهوری اسلامی ایران در طی بحران سوریه هیچگاه از راه‌حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از کشورهای منطقه‌ای و غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت ننموده است؛ بلکه برعکس، مسئولان و تصمیم‌گیرندگان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یکراه وجود دارد و آن نیز راه حل سیاسی است. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر حل بحران داخلی سوریه، توسط مردم سوریه هست و هر نتیجه‌ای نیز که در این راستا حاصل شود، بنا بر صلاحدید مردم این کشور رقم خورده است. با توجه به این مهم، دیدگاه حمایت‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران نسبت به حل بحران سوریه در سه مؤلفه مهم خلاصه می‌شود: ۱. توقف خشونت و کشتار مردم در سوریه، ۲. عدم مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان، ۳. حفظ دولت بشار اسد در کنار تأکید بر ضرورت اصلاحات داخلی. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه به عنوان یک متحد راهبردی در منطقه خاورمیانه می‌نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه‌های اسلامی از قبیل حماس و حزب الله را همواره به عنوان یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین جمهوری اسلامی ایران سوریه را به عنوان یک سپرد دفاعی امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می‌نماید که در صورت فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد. به همین جهت به حکومت بشار اسد در سوریه، کمک مالی، نظامی و امنیتی اعطاء می‌نماید. (نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۴)

منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بر محور ارزش‌های فرهنگی و دینی بنا شده است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی که وظیفه تحقق منافع ملی را در عرصه بین‌الملل بر عهده دارد به طور صریح وظیفه تحقق اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک و دینی انقلاب اسلامی ایران را نیز در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بر عهده دارد. نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای عربی منطقه در ابعاد مختلف رسمی و غیررسمی نقشی بی‌بدیل و ویژه‌ای بوده است. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران با دو چالش مهم شامل موانع برونزا و درونزا مواجه است. موانع برونزا منبعت از تحدید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای و موانع درونزا عمدتاً عدم شفافیت وظایف و تداخل مسؤولیت‌ها و بطور کلی عدم مدیریت واحد در پیگیری و نظارت بر دیپلماسی عمومی بوده است. با همه این اوصاف توجه به این شکل از دیپلماسی در کنار سایر اشکال دیپلماسی در بعد تأثیرگذاری عمیق سیاست‌ها و افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذاری نسبی داشته است.

- آلاذپوش، علی؛ توتونچیان، علیرضا (۱۳۷۲). دیپلمات و دیپلماسی؛ وزارت امور خارجه، سازمان چاپ و انتشارات.
- بوزان، باری، ویور، الی (۱۳۷۷) مناطق و قدرتها: ساختار امنیت بین الملل، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برزگر، کیهان؛ (۱۳۹۱) تحولات عربی و توازن قدرت در خاورمیانه؛ پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه؛
- حسینقلیزاده، رضوان و دیگران (۱۳۸۹) مروری بر روش‌شناسی نظریه پایه‌ور با تأکید بر مطالعات سازمانی. فصلنامه راهبرد. سال نوزدهم. ش. ۵.
- داد اندیش، پروین؛ احدی، افسانه (۱۳۹۰) جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، سال سوم
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱) واقع‌گرایی نوکالسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲
- ذوالفقاری، مهدی، (۱۳۹۲)، اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی، مجموعه مقالات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- زرنچک، جوزف (۱۳۹۲) آمریکا در سوریه به دنبال چیست؟ ماهنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش ۶.
- سیمبر، رضا؛ قربانی، ارسلان، (۱۳۸۵) دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر»، فصلنامه روابط خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره ۴۳.
- کشاوری شکر، عباس (۱۳۹۲)، فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- مرادی، اسدالله و شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۹۴) بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱
- میناوند، محمدقلی (۱۳۸۳) درآمدی بر دیپلماسی افکار عمومی، فصلنامه عملیات روانی،
- نای، جوزف، (۱۳۸۳) قدرت نرم، ترجمه محمد حسینی‌مقدم، فصلنامه راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۹
- نجات، سید علی و اصغر جعفری ولدانی (۱۳۹۲) بررسی جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، پژوهش‌های سیاسی، س ۳، ش ۸.

- نظری، علی اشرف و بهاره سازمند (۱۳۸۷) گفتمان، هویت و انقلاب اسالمی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- نیاکوئی، سید امیر، علی اسمعیلی و علی اصغر ستوده (۱۳۹۱) تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴.
- هالستی، کی. جی. (۱۳۷۴) مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه بهرام مستقیم و مسعود طارم سری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

Keohane, r. & Nye, j. (1998). «power and interdependence in the information age» , foreign affairs , 70-77,no s (sep/oct)

McClellan, Michael (2004).«Public Diplomacy in the Context of Traditional Diplomacy», Presented 14 October in Vienna Diplomatic Academy. Accessible at: <http://www.publicdiplomacy.org/45.htm#head09> - (USinfo) at:

Nasr, Vali (2006).the Shia Revival: how Conflicts within Islam Will Shape theFuture, Now York: Norton and Company. 33. Owen, State, Roger (2004).Power and Politics in the Making of the Modern Middle East, New York: Routledge.

Sun, Degang .(2009). “Brothers Indeed: Syria- Iran Quasi alliance Revisited” . Journal of Middle East and Islamic Studies in Asia, 3(2), PP.67-80

Zaborowski, Marcin (etal) .(2011). “Iran’s Reactions to the Arab Spring and the Crisis in Syria”. Journal of institute PISM, (99), pp. 596-597